

مدرسه ملارجبعلی تبریزی:

ملاعباس مولوی و اصول الفوائد



مهدی عسگری

دانشجوی دکتری فلسفه اسلامی در دانشگاه ادیان و مذاهب

چکیده

مدرسه فلسفی اصفهان در عصر صفوی از مدارس مختلف فکری تشکیل شده بود. در این میان مدرسه ملارجبعلی تبریزی کمتر شناخته شده است. یکی از شاگردان تبریزی، ملاعباس مولوی است. از او چند اثر به دست ما رسیده که در یکی از آنها، یعنی *اصول الفوائد*، آرای فلسفی خود را بیان کرده است. هدف از این مقاله معرفی *اصول الفوائد* و مؤلف آن، ملاعباس مولوی، است. روش گردآوری مطالب کتابخانه‌ای و روش تحقیق توصیفی - تحلیلی خواهد بود. اهمیت کار نیز در آن است که تا به حال درباره ملاعباس مولوی و اثر فلسفی او، *اصول الفوائد*، مطلبی به رشته تحریر در نیامده است. نتیجه اجمالی که این مقاله به آن رسیده این است که *اصول الفوائد* یکی از آثار مهم مدرسه فلسفی تبریزی است که در فهم آرای این مدرسه می‌تواند نقش کلیدی داشته باشد.

مدرسه فلسفی اصفهان در عصر صفوی به صورت عمده شامل مدرسه فلسفی میرداماد، ملاصدرا و ملارجبعلی تبریزی می‌شده است. از میان این سه مدرسه، مدرسه ملارجبعلی تبریزی (م ۱۰۸۰ ه. ق) از همه کمتر شناخته شده است. در میان شاگردان تبریزی به ملاعباس مولوی اصلاً پرداخته نشده و درباره او و مؤلفاتش مطلبی بیان نشده است. از این رو، در این مقاله: اولاً سعی بر آن است تا از احوال مولوی اطلاعاتی به دست داده شود و ثانیاً به آثار او توجه شود و ثالثاً در میان آثار او، *اصول الفوائد* که یک کتاب فلسفی است معرفی شود تا از رهگذر آن بتوان با آرای این فیلسوف کمتر شناخته شده آشنا شد.

احوال

ملاعباس فرزند محمدبیگ بن زیاد اوغلی قاجار است که در محله عباس آباد اصفهان ساکن بود (مهدوی، ۱۳۸۶، ج ۴، ص ۹۴۷). نصرآبادی درباره مولوی می‌نویسد: «مولانا عباس: ناسخ تخلص، از طبقه اتراک است؛ اما خود را از نسبت به ایشان خلاص کرده در سلک طلبه علوم دینی منسلک است و نهایت صلاح و سداد دارد؛ چنانچه سنتی کم از او فوت می‌شود. حقاً که مَلکی است در لباس بشر. طبعش در ترتیب نظم لطیف است و قصائد در مدح حضرات ائمه معصومین علیهم السلام دارد. شعرش این است: فیض نبردی از اثر اشک و آه حیف / عبرت نیافت چشم دلت از نگاه حیف / مردان حق ز افسر شاهی گذشته‌اند / از سر گذشته‌ای تو ز بهر کلاه حیف» (نصرآبادی، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۲۷۳).

از شاگردان او می‌توان به محمدطاهر بن حاجی محمدقلی تبریزی اصفهانی اشاره کرد. محمدطاهر در سال ۱۰۷۵ نسخه‌ای از *حل مشکلات الإشارات* اثر مرحوم خواجه طوسی را نزد ملاعباس مولوی به خط نسخ کتابت کرده است (مهدوی، ۱۳۸۶، ج ۳، ص ۶۳۸).

سیدمحسن امین، مولوی را از دراویش و اهل تصوف دانسته و دلیل این انتساب را نیز انجامه نسخه‌ای از *انوار سلیمانی* می‌داند که در سال ۱۳۵۲ در کرمانشاه دیده است که در محرم سال ۱۲۱۰ کتابت شده است. در انجامه این نسخه مولوی این‌گونه توصیف شده است: «قد وقع الفراغ من هذا الكتاب من تصنيف قطب الاقطاب فی العالمین زبدة الأولیاء الکاملین برهان العارفين و العاشقین قدوة الزاهدين اسوة السالکین افتخار المرتاضین زین الممتازین عارف

الأسرار في الحقيقة كاشف الرموز في الطريقة صدر مسند الإرشاد قطب فلك الأوقاد العالم الرباني المتشرف بالجدب السبحاني المؤيد من عند الله بالنفس القدسية عباس المشهور بمولوى» (امین، ۱۴۰۳، ج ۷، ص ۴۷۱). البته این انتساب چندان دور از تحقیق نیست؛ زیرا بیشتر شاگردان تبریزی اهل طریقت‌های مختلف صوفیه بوده‌اند. به عنوان نمونه، محمدرفعی زاهدی ملقب به پیرزاده از طریقت زاهدیه است (رک: تحفه سلیمانی، ص ۲۸).

مرحوم دانش‌پژوه سال وفات مولوی را ۱۱۰۱ دانسته است (دانش‌پژوه، ۱۳۳۹، ج ۸، ص ۴۱۷). البته برای اینکه مولوی در سال ۱۱۰۱ وفات کرده هیچ دلیلی وجود ندارد و شاید چون *انوار سلیمانی* در سال ۱۱۰۱ نوشته شده است، مرحوم دانش‌پژوه این تاریخ را به‌عنوان تاریخ وفات مولوی انتخاب کرده است.

آثار

(۱) *انوار سلیمانی* (الأنوار السلیمانیة): این رساله به زبان فارسی درباره احتجاجات پیامبر و ائمه - صلوات الله علیهم اجمعین - و مناظرات برخی از علماء با سایر فرق مخالف شیعه نوشته شده است. این رساله در ذی‌القعدة سال ۱۱۰۱ نوشته شده است (آقابزرگ، ۱۴۰۳، ج ۲، ص ۴۲۹). مرحوم دانش‌پژوه درباره این رساله می‌نویسد: «*انوار سلیمانی یا مناظرات: مولوی، در ۵۶ فصل و ساخته پس از شاه عباس*» (دانش‌پژوه، ۱۳۵۷، ج ۱۶، ص ۳۱۳). گویا رساله مناظرات غیر از رساله *انوار سلیمانی* است و خلاصه‌ای از *انوار سلیمانی* است که در سال ۱۹۰۷ و به اسم شاه سلیمان صفوی نوشته شده است. تعداد فصول این کتاب را مرحوم منزوی ۶۲ فصل ذکر کرده است (منزوی، ۱۳۸۳، ج ۹، ص ۱۳۵). احتمال زیاد اختلاف در فصول به اختلاف در نسخه‌ها بازمی‌گردد.

فصول *انوار سلیمانی* عبارتند از: ۱. مناظره نبی اکرم با اهل ادیان خمسه؛ ۲. مناظره حضرت علی علیه السلام با مهاجر و انصار و مناظره درباره فدک؛ ۳. مناظره امام حسن علیه السلام با معاویه و احزابش در انکار آنان؛ ۴. مناظره امام حسین علیه السلام با عمر بن خطاب؛ ۵. مناظره امام زین‌العابدین علیه السلام با پیر شامی و مناظره با ابوحنیفه؛ ۶. مناظره امام محمدباقر علیه السلام با نافع بن ارزق و حسن بصری؛ ۷. مناظره حضرت صادق علیه السلام با ابوشاکر زندیق و زندیق دیگر در اثبات صانع؛ ۸. مناظره و مکالمه حضرت

کاظم علیه السلام با هارون الرشید و ابوحنیفه کوفی؛
 ۹. مناظره ابوالحسن علی بن موسی الرضا علیه السلام در
 مجلس مأمون با اهل ادیان مختلف؛ ۱۰. مناظره و
 جواب دادن حضرت رضا علیه السلام سؤالات مأمون را؛
 ۱۱. مناظره امام جواد علیه السلام با یحیی بن اکثم در
 مجلس مأمون در حضور بنی عباس؛ ۱۲. مناظرات
 امام علی النقی الهادی علیه السلام با اشراف بنی عباس و
 بنی هاشم؛ ۱۳. مناظرات امام عسکری علیه السلام؛ ۴۱. در
 ذکر مکالمه حضرت بقیه الله مهدی علیه السلام؛ ۱۵. مناظره
 مفید با قاضی ابوبکر سیار و شیخ معتزلی؛ ۱۶. مکالمه
 علی بن میثم؛ ۱۷. مناظره مفید با کاتبی؛ ۱۸. مناظره و
 مکالمه مفید با ابو عمرو و شوطی؛ ۱۹. مناظره هشام بن
 حکم با ضرار بن عمر و الضبی؛ ۲۰. مناظره مفید با
 ورنثانی و جواب و سؤال شیعه و سنی؛ ۲۱. مناظره مفید
 و جواب او به اعتراض ابوالحسن خیاط؛ ۲۲. مناظره
 و جواب هشام بن حکم به یحیی بن خالد و مناظره
 او با عبدالله بن یزید در مجلس هارون الرشید؛
 ۲۳. در ذکر استدلال مفید رحمه الله علیه بر عدم بیعت
 حضرت علی علیه السلام با ابوبکر؛ ۲۴. مناظره علی بن
 میثم و جواب سؤالات مزدیرا؛ ۲۵. جواب مفید،
 نواصب را در باب مصاحبت ابوبکر با پیامبر در
 غار ثور؛ ۲۶. مناظره مفید و جواب او نواصب را
 در استدلال فضل ابوبکر از دو حدیثی که منفردند؛
 ۲۷. جواب مفید به استدلال نواصب در امامت
 ابوبکر؛ ۲۸. مکالمه حسن فضال با ابوحنیفه کوفی و

”

مدرسه فلسفی اصفهان در
 عصر صفوی به صورت
 عمده شامل مدرسه فلسفی
 میرداماد، ملاصدرا و
 ملارجبعلی تبریزی می شده
 است. از میان این سه مدرسه،
 مدرسه ملارجبعلی تبریزی
 (م ۱۰۸۰ هـ.ق) از همه کمتر
 شناخته شده است. در میان
 شاگردان تبریزی به ملاعباس
 مولوی اصلا پرداخته نشده و
 درباره او و مؤلفاتش مطلبی
 بیان نشده است.

“

استدلال مفید بر ظلم ابوبکر و عمر نسبت به حضرت فاطمه زهرا علیها السلام؛ ۲۹. جواب مفید سائلی را که از آیه سؤال نمود؛ ۳۰. جواب هشام بن حکم سؤال مردی را از معنی حدیثی که عامه از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام روایت کرده‌اند؛ ۳۱. ذکر تحقیق شیخ مفید حدیث طبر را که در شأن حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام صدور یافته؛ ۳۲. جواب مفید به سؤال مردی معتزلی درباره غیبت امام هادی علیه السلام نموده است؛ ۳۳. جواب ابو محمد فضل بن شاذان سائلی را که از امامت حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام پرسیده؛ ۳۴. مناظره مفید با ابوبکر بن صرا؛ ۳۵. جواب شیخ مفید از امامت کردن ابوبکر در نماز؛ ۳۶. فتوای شیخ مفید در مسئله فقهی؛ ۳۷. جواب مفید و فضل بن شاذان حدیث مخالفین را؛ ۳۸. قول فضل بن شاذان و مفید درباره آیه کریمه «وَأُولُوا الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَىٰ بِبَعْضٍ»؛ ۳۹. جواب سید عزالدین سنن متعصبی را که انکار کرامات حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام می‌کرد؛ ۴۰. مناظره شیخ مفید در قول عباس بن عبدالمطلب؛ ۴۱. جواب شیخ مفید اعتراض یکی از مخالفین را در غیبت امام زمان علیه السلام؛ ۴۲. مناظره هشام بن حکم در مجلس یحیی بن خالد برمکی؛ ۴۳. مناظره هشام بن حکم با عبدالله بن عبدالله که یکی از فضایل اهل خلاف بوده در بصره؛ ۴۴. مناظره سعد بن عبدالله علقمی؛ ۴۵. مناظره علی بن بابویه القمی؛ ۴۶. مناظره علی بن بابویه القمی؛ ۴۷. در تحقیق ایمان ابوطالب؛ ۴۸. مناظره شیخ مفید با علی بن عیسی الرمانی؛ ۴۹. مناظره شیخ مفید با مشایخ بنی‌عباس؛ ۵۰. در ذکر اجوبه سید حسن بن سید راجو؛ ۵۱. در ذکر مجلس اول مناظره ابن‌جمهوی احسایی با فاضل هروی؛ ۵۲. در ذکر مجلس دوم مناظره ابن‌جمهوی احسایی با فاضل هروی؛ ۵۳. در ذکر مجلس سوم مناظره ابن‌جمهوی احسایی با فاضل هروی؛ ۵۴. در ذکر استدلال علما ماوراء النهر بر کفر گروه شیعه؛ ۵۵. در ذکر جواب مولانا محمد رستم‌داری استدلال علمای ماوراء النهر را و کفر ایشان را ثابت کردن؛ ۵۶. مناظره مأمون عباسی با چهل نفر علمای اهل تسنن؛ ۵۷. مناظره شیخ حسین بن عبدالصمد با یکی از فضایل سنی شهر حلب؛ ۵۸. مناظره قاضی‌زاده کوه‌رودی با قاضی‌زاده اوزبک در مجلس شاه عباس؛ ۵۹. مجلس اول مناظره یکی از سادات عالی نسب که او را شاه فتح‌الله می‌نامیدند در مدینه با یکی از فضایل سنی مذهب؛ ۶۰. مجلس دوم مناظره شاه فتح‌الله با همان سنی در بلاد هندوستان؛ ۶۱. مناظره مؤمن طاق؛ ۶۲. در ذکر حکایات عجیبه (حائری، ۱۳۹۰، ج ۸، ص ۶۶۷۰-۶۶۷۱). در فنخا از قول مرحوم عبدالله انوار تعداد فصول را ۶۵ فصل ذکر کرده است (درایتی، ۱۳۹۱، ج ۵، ص ۱۹۹).

به گزارش فنخا از این کتاب چهارده نسخه در کتابخانه‌های ایران موجود است:

۱. تهران؛ مجلس؛ شماره نسخه: ۱۰۴۷۹؛ ۲. تهران؛ سپهسالار؛ شماره نسخه: ۱۸۱۸؛ ۳. تهران؛ دانشگاه؛ شماره نسخه: ۱۸۲۲ (قم؛ مرعشی؛ شماره نسخه: ۱۶۷۴: نسخه اصل نسخه دانشگاه تهران)؛ ۴. تهران؛ مجلس؛ شماره نسخه: ۱۱۲۴؛ ۵. تهران؛ ملی؛ شماره نسخه: ۲۰۵۷/۱؛ ۶. تهران؛ دانشگاه؛ شماره نسخه: ۶۶۱۹؛ ۷. تهران؛ مجلس؛ شماره نسخه: ۵۶۹۲ (قم؛ مرعشی؛ شماره نسخه: ۱۶۷۵ و ۱۸۴۳: نسخه اصل نسخه مجلس. تصاویر کتابخانه مرعشی نجفی ناقص است)؛ ۸. تهران؛ دانشگاه؛ شماره نسخه: ۲۴۸۵؛ ۹. قم؛ مرکز مطالعات؛ شماره نسخه: ۵۴۲؛ ۱۰. تهران؛ مجلس؛ شماره نسخه: ۱۲۲۰؛ ۱۱. اصفهان؛ دانشگاه اصفهان؛ شماره نسخه: ۴۰۴؛ ۱۲. تهران؛ مجلس؛ شماره نسخه: ۲۰۸۸؛ ۱۳. قم؛ مسجد اعظم؛ شماره نسخه: ۸۵۵؛ ۱۴. قم؛ گلیپایگانی؛ شماره نسخه: ۴۱۱-۳/۳۱ (درایتی، ۱۳۹۱، ج ۵، ص ۱۹۹-۲۰۱).

(۲) المناظرات: این رساله در اصل تحریری از رساله الأنوار السلیمائیة است که در سال ۱۰۹۷ به اسم شاه سلیمان صفوی نوشته شده است (آقابزرگ، ۱۴۳۰، ج ۹، ص ۹۶۱؛ آقابزرگ، ۱۴۰۳، ج ۲۲، ص ۴۴۴). مرحوم دانش‌پژوه درباره این رساله می‌نویسد: «از عباس مولوی و تحریر دیگری از انوار سلیمانی خود او باید باشد؛ بلکه پیش از آن باید ساخته باشد. در دیباچه برخلاف آن یکی نامی به کتاب داده نشده و از مؤلف به نام «عباس المولوی» یاد شده است. در این کتاب در مناظره‌ها و گفت‌وگوهای پیامبر و امامان و دانشمندان شیعی است به فارسی در ۶۲ فصل» (دانش‌پژوه، ۱۳۴۰، ج ۹، ص ۱۲۵۵).

برای این رساله یک نسخه گزارش شده است: تهران؛ مجلس؛ شماره نسخه: ۳/۴۹۶ (درایتی، ۱۳۹۱، ج ۵، ص ۲۰۱).

(۳) الفوائد الأصولیة السلیمائیة: این رساله در اثبات حقیقت اسلام و مذهب امامیه در سال ۱۰۸۴ و به اسم شاه سلیمان صفوی نوشته شده است (آقابزرگ، ۱۴۰۳، ج ۱۶، ص ۴۴۱).

(۴) التأویلیة: آقابزرگ درباره این رساله می‌نویسد: «قصیده فی مدح أهل البيت^(۴)، للمولی عباس بن محمد بیگ زیاد أوغلی الساکن فی عباس‌آباد فی نواحی اصفهان شرحها بعض فضلاء عصره، و کتب دیباجة الشرح المولی محمد أمين بن عبد الفتاح الوقاری الطبسی و آوردها فی کتابه گلدسته اندیشه الذی ألفه سنة ۱۰۸۳» (آقابزرگ، ۱۴۰۳، ج ۳، ص ۳۰۸).

(۵) مصباح الولاية في أنوار الولاية: این رساله به فارسی و تفسیر قرآن که در سال ۱۰۹۹ کتابت شده است. نسخه‌ای از این رساله در کتابخانه آستان قدس رضوی موجود است (مهدوی، ۱۳۸۶، ج ۴، ص ۹۴۷).

(۶) مصباح الهدایة: که سید ابوالقاسم موسوی خوانساری روایات فضائل اهل بیت علیهم السلام را از آن منتخب کرده است (مهدوی، ۱۳۸۶، ج ۴، ص ۹۴۷).

اصول الفوائد

مولوی اصول الفوائد را این‌گونه آغاز می‌کند: «أما بعد؛ فيقول الفقير إلى الله القوى عباس المولوى - غفر الله تعالى له ولوالديه وإخوانه المؤمنين - إننى أريد أن أكتب مختصراً يشتمل على عدّة أصول المسائل الحكميّة التي فكرتُ فيها وأيقنتها من طريق البرهان وأسميه باصول الفوائد وأرتبه على مقالات بعضها فى الإلهيّة وبعضها فى الطبيعيّة». در این عبارت مولوی به نام خود (عباس مولوی) و نام کتاب (اصول الفوائد) و به مسائلی که در کتاب به آن‌ها اشاره می‌کند (مسائل طبیعی و الهی) اشاره کرده است.

ساختار اصول الفوائد

این کتاب در هفت مقاله نوشته شده است:

المقالة الأولى: فى اثبات الصانع وتوحيده وأحديته وكيفية استناد الصفات إليه ووجوده تعالى وتقدّس. این مقاله در پنج فصل نوشته شده است: الفصل الأول: فى اثبات الصانع تعالى وتقدّس؛ الفصل الثانى: فى توحيد الصانع تعالى وتقدّس؛ الفصل الثالث: فى أحديّة صانع تعالى وتقدّس؛ الفصل الرابع: فى كفيّة استناد الصفات إليه تعالى؛ الفصل الخامس: فى وجوده تعالى.

المقالة الثانية: فى كفيّة صدور الأشياء عن الواجب الوجود تعالى. این مقاله در پنج فصل نوشته شده است: الفصل الأول: فى أنّه تعالى تام بل فوق التام؛ الفصل الثانى: فى أنّه تعالى خير محض و خير محض وجود مطلق؛ الفصل الثالث: فى أنّه تعالى لا يجوز عليه قطع الجود؛ الفصل الرابع: فى أنّ أوّل ما صدر عن الواجب تعالى يجب أن يكون واحداً؛ الفصل الخامس: فى أنّ أوّل ما صدر عن الله تعالى وتقدّس يجب أن يكون أتم المخلوقات أكملها كما هو أبسطها وهو العقل.

در فصل چهارم از مقاله دوم، مولوی همچون استادش، ملارجبعلی تبریزی، درباره قاعده الواحد بحث می‌کند و این قاعده را «الأصل الأصيل» می‌نامد.

المقالة الثالثة: فی تحقیق الجعل و كيفية صدور سائر الأشياء عن الواجب الوجود تعالى بتوسط العقل. این مقاله در پنج فصل نوشته شده است: الفصل الأول: فی تحقیق الجعل؛ الفصل الثاني: فی كيفية صدور الأشياء عن المبدأ الأول الواجب الوجود تعالى شأنه؛ الفصل الثالث: فی أنّ الارادات كليّة كانت أو جزئية؛ الفصل الرابع: فی أنّ الأفعال الصادرة عن الواجب الوجود تعالى شأنه والجواهر المفارقة العقلية؛ الفصل الخامس: فی العناية الإلهية جلّ جلاله.

المقالة الرابعة: فی اثبات التعدد الجواهر العقلية والنفوس الفلكية واثبات عالم المثال و تحقیق القول فی الوجود الذهني. این مقاله در پنج فصل نوشته شده است: الفصل الأول: فی اثبات تعدد الجواهر العقلية؛ الفصل الثاني: فی اثبات النفوس الفلكية؛ الفصل الثالث: فی تحقیق عالم المثال؛ الفصل الرابع: فی تحقیق القول فی الوجود الذهني؛ الفصل الخامس: فيما يتعلق بالمسائل الماضية والآتية.

در فصل چهارم از مقاله چهارم، مولوی به اثبات وجود ذهنی می‌پردازد و در این مسئله با ملارجبعلی تبریزی مخالفت می‌کند. مولوی می‌نویسد: «فقول: إنّ من الناس من ينكر أن يكون للأشياء وجود غير هذا الوجود الأصيل الذي يسمى بالوجود الخارجي؛ منهم استادی الكامل المحقق المدقق المتحلي بالفضائل، المتخلي عن الرذائل مولانا رجبعلی رحمه الله». این عبارت دو نکته فهمید می‌شود: ۱. ملارجبعلی تبریزی منکر وجود ذهنی بوده است؛ ۲. مولوی اصول الفوائد را بعد از مرگ استادش تألیف کرده است.

المقالة الخامسة: فی تحقیق حقيقة الأجسام وما يتركب منه. این مقاله در پنج فصل نوشته شده است: الفصل الأول: فی تحقیق حد الجسم؛ الفصل الثاني: فی اثبات الهيولى للأجسام؛ الفصل الثالث: فی تحقیق حقيقة الهيولى وكيفية وجودها وعدم جواز تجرّدها عن الصورة؛ الفصل الرابع: فی تحقیق حقيقة صورة الجسمية وكيفية وجودها وعدم جواز تجرّدها عن الهيولى؛ الفصل الخامس: فی اثبات الصور النوعية للأجسام.

المقالة السادسة: فی تحقیق القول فی المقولات العشرة. این مقاله در پنج فصل نوشته شده است: الفصل الأول: فی تحقیق القول فی مقولة الجوهر؛ الفصل الثاني: فی تحقیق القول فی مقولة

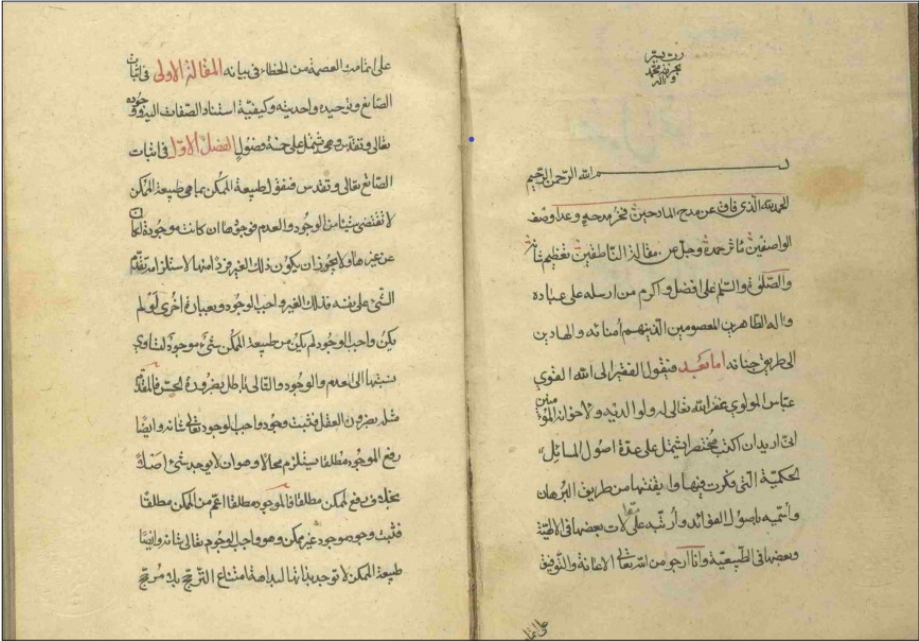
الکم؛ الفصل الثالث: فی تحقیق القول فی کیف؛ الفصل الرابع: فی تحقیق القول فی المضاف؛
الفصل الخامس: فی تحقیق مقولات الستة الباقية من الأعراس الذي يليق بهذا المقام.
المقالة السابعة: فی الأمور العامّة. این مقاله در دو فصل نوشته شده است: الفصل الأوّل: فی
الوجود؛ الفصل الثانی: فی ماهیة ولواحقها.

مولوی در فصل اول مقاله هفتم سخنی را که پیش از این درباره وجود گفته بود را دوباره
تکرار می‌کند. این سخن در مدرسه فکری تبریزی از اهمیت درجه اول برخوردار است. مولوی
می‌نویسد: «أنّ الوجود بمعنى الكون فی الخارج لا يجوز اشتراكه بین الواجب والممكن و استناده
إلی الواجب الوجود تعالی بمعنى نفی مقابله الذي هو العدم كاستناد سایر الصفات إلیه تعالی».
ملارجبعلی تبریزی در رساله اثبات واجب به صورت تفصیلی به این مطلب پرداخته است.
مولوی در پایان رساله می‌نویسد: «قد وقع الفراغ من تسويده فی شهر ذی الحجة الحرام سنة
تسع وتسعين بعد الألف».

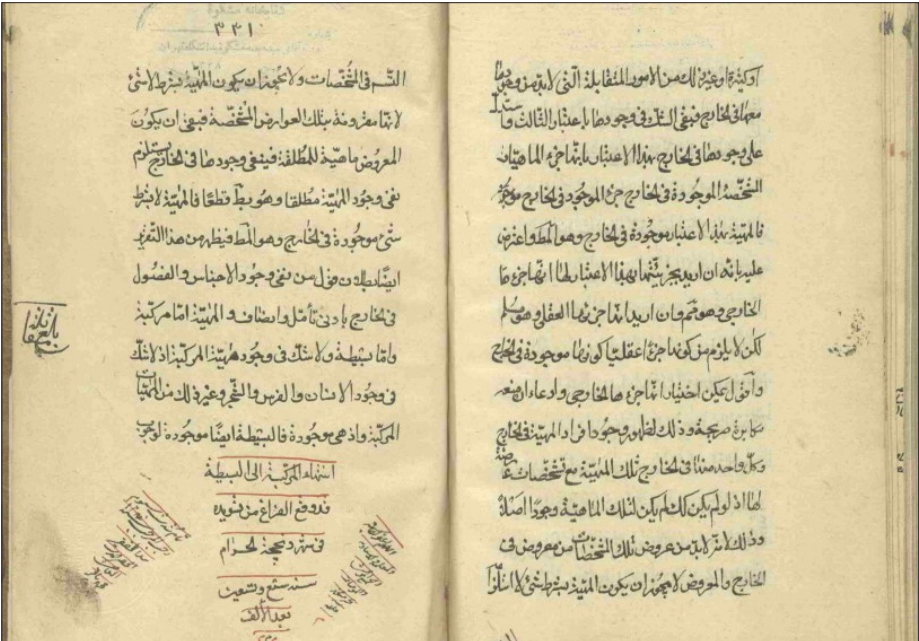
به گزارش فنخا دو نسخه از این رساله در ایران موجود است:

۱. نسخه دانشگاه تهران به شماره ۳۳۱. مرحوم دانش‌پژوه درباره این نسخه می‌نویسد:
«اصول الفوائد فی اصول مسائل الحکمیة: این نگارش از عباس مولوی شاگرد ملارجبعلی
تبریزی می‌باشد که در آن از وی با احترام یاد می‌کند و سخنانی از وی می‌آورد و پیداست که
پس از مرگ استاد آن را نگاشت... مولوی در آن از اثولوجیا و از ابن‌سینا و ابی‌البرکات و خواجه
طوسی یاد می‌کند...» (دانش‌پژوه، ۱۳۳۲، ج ۳، ص ۱۴۶). همان‌طور که قبلاً اشاره شد، نام کتاب
اصول الفوائد است نه اصول الفوائد فی اصول مسائل الحکمیة. نکته دیگر اینکه در مدرسه تبریزی
به اثولوجیا بسیار اهمیت داده می‌شود، از این رو، مولوی نیز به اثولوجیا ارجاع می‌دهد. نکته دیگر
هم که اهمیت دارد این است که خود تبریزی و شاگردانش اگر نقل قولی از فیلسوفی یا کتابی
دارند، حتماً به آن کتاب یا به آن فیلسوف ارجاع می‌دهند.

۲. نسخه مؤسسه مطالعات اسلامی (منظور نسخه‌های خطی کتابخانه دکتر مهدی محقق
است که در مؤسسه مطالعات اسلامی دانشگاه تهران، دانشگاه مک‌گیل نگهداری می‌شود) به
شماره ۶۸ (درایتی، ۱۳۹۱، ج ۴، ص ۳۰۴). نگارنده به این نسخه دسترسی نداشت تا بتواند
اطلاعات را از روی نسخه گزارش کند.



صفحه اول اصول الفوائد نسخه دانشگاه تهران



صفحه آخر اصول الفوائد نسخه دانشگاه تهران

نتیجه

از آنچه گفته شد می‌توان دانست که اطلاعات ما درباره زندگی‌نامه مولوی بسیار اندک است. از او چند رساله باقی مانده که رساله *انوار سلیمانی، مناظرات و الفوائد الأصولیة السلیمائیة* موضوعی کلامی دارند. رساله‌های دیگری که برای او نام برده شده در منابع دیگری بیان نشده‌اند و نسخه‌ای نیز از آن‌ها گزارش نشده است. از این رو، انتساب قطعی آن‌ها به مولوی محل تردید است.

اصول الفوائد رساله‌ای فلسفی که در دو موضوع الهیات و طبیعیات نوشته شده است. این کتاب در هفت مقاله و ۳۲ فصل نوشته شده است. در این رساله، مولوی تحت تأثیر آراء استاد خود است. مهم‌ترین نظر فلسفی در مدرسه تبریزی، اشتراک لفظی وجود است که مولوی نیز به آن پرداخته است. مولوی در مسئله وجود ذهنی با استاد خود مخالفت کرده و سعی در اثبات این نظریه داشته است.

این رساله تاکنون تصحیح نشده است و با توجه به دو نسخه‌ای که از این رساله موجود است، شایسته است یکی از اهل فضل و آشنا به فن تصحیح این رساله را تصحیح و تحقیق کند.

تشکر

از حضرت استاد دکتر محمد سوری که مقاله را با دقت خواندند و نکات و منابعی را در اختیار نگارنده قرار دادند بسیار سپاسگزارم.

منابع

- ۱- حائری، عبدالحسین، (۱۳۹۰)، *فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی*، تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- ۲- دانش‌پژوه، محمدتقی، (۱۳۳۹)، *فهرست کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران*، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ۳- _____، (۱۳۴۰)، *فهرست کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران*، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ۴- _____، (۱۳۳۲)، *فهرست کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران*، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

- ۵- _____ (۱۳۵۷)، فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ۶- درایتی، مصطفی، (۱۳۹۱)، فهرستگان نسخه‌های خطی ایران (فنخا)، تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.
- ۷- منزوی، احمد، (۱۳۸۳)، فهرستواره کتابهای فارسی، تهران: مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی.
- ۸- مولوی، عباس، اصول الفوائد، نسخه خطی دانشگاه تهران، شماره ۳۳۱.
- ۹- نصرآبادی، محمدطاهر، (۱۳۷۸)، تذکره نصرآبادی، مقدمه و تصحیح و تعلیقات محسن ناجی نصرآبادی، تهران: انتشارات اساطیر.
- ۱۰- مهدوی، مصلح‌الدین، (۱۳۸۶)، اعلام اصفهان، تصحیح غلامرضا نصراللهی، اصفهان: سازمان فرهنگی - تفریحی شهرداری اصفهان.
- ۱۱- آقابزرگ، محمدمحسن، (۱۴۰۳)، الذریعة إلى تصانیف الشيعة، چاپ سوم، بیروت: دار الأضواء.
- ۱۲- _____ (۱۴۳۰)، طبقات أعلام الشيعة، بیروت: دار إحياء التراث العربي.
- ۱۳- امین، محسن، (۱۴۰۳)، أعيان الشيعة، بیروت: دار التعارف للمطبوعات.